

و زمانداران خود

محمد جواد مغنیه
ترجمه: مصطفی زمانی

www.ketab.ir

فهرست مطالب

۱۱		مقدمهٔ چاپ دوم
۱۱		صحنه‌هایی از تاریخ
۱۳		خودسران تاریخ
۱۵		ستایشگران
۱۸		عکس‌العمل خودسریها
۲۰		رزمندگان ملی
۲۳		مقدمهٔ چاپ اول
۲۶		مانور معنوی
۲۷		این کتاب
۲۸		روش مترجم
۲۹		زندگی‌نامهٔ مؤلف
۲۹		زادگاه
۳۰		پس از مرگ پدر
۳۱		اولین پیروزی
۳۲		مرگ برادر!

۳۴	قاضی دادگستری
۳۵	تألیفات مغنیه
۳۶	دو مشکل نویسنده
۳۷	اهداف استاد
۳۹	مقدمه نویسنده
۴۵	● بخش اول: اختلاف مسلمین
۴۷	عصر رسول خدا ﷺ
۴۸	پس از رسول خدا ﷺ
۴۹	مهمترین فرقه‌های مسلمین
۵۳	تشیع
۵۳	سبب تشیع
۵۴	گفتار پیغمبر نسبت به علی علیه السلام
۵۷	پیدایش تشیع
۵۹	شیعه و عبدالله بن سبأ
۵۹	چرا حضرت علی علیه السلام از حکومت صرف نظر کرد؟
۶۹	رشد تشیع
۷۰	شروط رهبری مسلمین
۷۳	اطاعت از حکومت‌های استبدادی
۷۳	استبداد از نظر اهل سنت
۷۵	استبداد از نظر شیعیان
۷۶	همکاری با حکومت‌های استبدادی
۷۸	نامه منصور به حضرت صادق علیه السلام
۷۹	شرکت در کارهای دولتی
۸۰	حکومت‌های استبدادی و روحانی نمایان

- ۸۱ روزنامه نگاران و استبداد
- ۸۲ شیعیان در نظر احمد امین مصری
- ۸۶ علی علیه السلام در میان قریش
- ۸۶ علی علیه السلام و زندگی داخلی
- ۸۷ حضرت علی علیه السلام قبل از مرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
- ۹۱ حضرت علی علیه السلام پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
- ۹۳ حضرت علی علیه السلام و مجلس شورای عمر
- ۹۵ نکاتی درباره مجلس شورای عمر
- ۹۷ علی و خلافت عثمان
- ۹۹ علی علیه السلام و جنگ جمل و صفین
- ۱۰۱ خوارچ چه گفتند؟
- بخش دوم: شیعیان و معاویه ۱۰۵
- معاویه کیست؟ ۱۰۷
- شییخونهای کشتار و چپاول ۱۱۰
- ۱- سفیان بن عوف غامدی ۱۱۱
- ۲- ضحاک بن قیس فهری ۱۱۴
- ۳- نعمان بن بشیر ۱۱۵
- ۴- بسر بن اوطاة ۱۱۷
- ۵- عمرو بن عاص ۱۲۵
- گروههای اخلا لگر ۱۳۰
- امام مجتبی علیه السلام ۱۳۳
- گلی از گلستان رسول صلی الله علیه و آله و سلم ۱۳۳
- اوصاف امام مجتبی علیه السلام ۱۳۵
- اخلاق امام مجتبی علیه السلام ۱۳۶

۲۵۳	● بخش چهارم: بنی عباس
۲۵۶	هزار ماه سلطنت
۲۵۷	بهره برداری بنی عباس
۲۵۹	بنی عباس کیستند؟
۲۶۱	سقاح
۲۶۴	شعرا و بنی عباس
۲۶۵	مذهب و بنی عباس
۲۶۶	منصور
۲۶۷	واعظ سلطنتی!
۲۷۰	منصور و واعظ غیبی!
۲۷۲	دست غیبی!
۲۷۳	منصور و اولاد حضرت علی (ع)
۲۷۴	زندان منصور!
۲۷۶	در زیر دیوار!
۲۷۸	امام صادق (ع) و منصور
۲۸۳	مهدی عباسی
۲۸۷	هادی
۲۸۹	هارون الرشید
۲۹۰	شخصت شهید
۲۹۱	در میان ستونها!
۲۹۲	یحیی و رشید
۲۹۴	روحانی نمایان هارون الرشید
۲۹۵	مبارزات ملت و اطلاعات هارون
۲۹۶	باز هم اولاد ابیطالب
۲۹۷	موسی بن جعفر (ع) و هارون الرشید

۲۹۹	 موسی بن جعفر علیه السلام توقیف شد!
۳۰۰	 فقط حقوق و ریاست!
۳۰۲	 امام رضا علیه السلام و هارون الرشید
۳۰۳	 امین
۳۰۳	 مأمون
۳۰۶	 حضرت رضا علیه السلام و مأمون
۳۰۶	 نماز عید حضرت رضا علیه السلام و مأمون
۳۰۹	 معتصم
۳۱۰	 متوکل
۳۱۰	 فقط یک پیرامن!
۳۱۳	 استقامت ابن سکیت
۳۱۳	 مجلس خوشگذرانی!
۳۱۵	 شعرای شیعه در عصر بنی عباس
۳۱۵	 ابن رومی
۳۱۷	 ابوفراس حمدانی
۳۲۱	 دعبل خزاعی
۳۲۵	 امام رضا علیه السلام گریه کرد!
۳۲۸	 ادبیات شیعه و حوادث
۳۳۰	 اسباب انقراض
۳۳۱	 علل بقاء تشیع
۳۳۴	 مجله آخر ساعة
۳۳۵	 کتاب اثر التشیع فی الادب العربی

۳۳۷	 بخش پنجم: پس از بنی عباس
۳۳۹	 ابو عبدالله شیعی
۳۴۲	 دانشگاه الازهر مصر
۳۴۲	 صلاح الدین ایوبی

۳۴۴	کتابخانه‌ها را آتش زدند
۳۴۵	صلاح الدین ایوبی از نظر شیعه
۳۴۷	دولت عثمانیها
۳۵۲	دولت سعودی و شیعیان
۳۶۰	داستان ابراهیم پاشا

۳۶۳	بخش ششم: شیعیان و استعمار
۳۶۵	شیعیان و مجله دروغ
۳۷۵	کتاب سفیانی
۳۷۵	کتابی از قاهره
۳۷۶	مستشرقین و حرفهای استعماری
۳۷۹	استعمار و حفاوای
۳۸۶	چه کسی باور می‌کند؟!
۳۸۹	کتاب حفاوای والازهر!
۳۹۳	خدا می‌گوید؛ و حفاوای رد می‌کند!!
۳۹۴	دروغو کیست؟
۳۹۶	چرا اساتید دانشگاه الازهر ساکت هستند؟
۳۹۷	ساکت نمی‌شویم!

۴۰۰	خاتمه
۴۰۰	عید غدیر
۴۰۲	میهن
۴۰۳	خویشاوندی
۴۰۴	خوش خُلُق
۴۰۵	برنامه‌های عمرانی
۴۰۵	داستان غدیر

مقدمه چاپ دوم

- ۱- صحنه‌هایی از تاریخ
- ۲- خودسران تاریخ
- ۳- ستایشگران
- ۴- عکس العمل خودسریها
- ۵- رزمندگان ملی

۱ صحنه‌هایی از تاریخ

آه سوختم، آتش گرفتم، به دادم برسید، مادر جان! خدایا... دستم قطع شده است، چشمم را بیرون آورده‌اند، ای عزرائیل به فریادم برس!... نور دیده‌ام کشته شد، فرزندانم یتیم شدند، آه بدن فرزند عزیزم ریز ریز شد و زیر دست و پای لشکریان لگدکوب گردید...

بوی کباب می‌آید! نه، بوی مخلوطی از بریان شدن گوشت و سوختن استخوان است. به‌مراه این بو، ناله و شیون می‌آید. هر کجا بساط کباب پهن شده باشد فریاد سرور و شادی همراه دارد ولی این بوی کباب همراه ناله و فریاد، همراه گریه و زاری، همراه شور و شیون است!

آه اشتباه کردم، این بوی بریان شدن برادرم، بوی سوختن نور دیدگانم، بوی کباب شدن طفل نازنینم، بوی نابودی مشتی ستمدیده بی نواست. پدر جان! من گرسنه‌ام، کجاست غذای شب ما؟ کجاست کفش و لباسی که وعده دادی؟ چه شد مخارج تحصیل من؟ تا کی در مقابل همسایه‌ها و اقوام سمر به زیر باشم؟

نور دیده‌ام چه کنم؟ بگو چه کنم؟ کمرم زیر بار قرض و مالیات خم شده است. نور چشمم من در آستانه ورشکستگی هستم. عزیزم اگر من می‌توانم روی تو را ببینم و سلام گرم تو را جواب بدهم، هنوز ورشکستگی من اعلام نشده. من باید فرار کنم و از دیدن روی تو محروم باشم...

آه میوه دلم نیامد! جوان خوش خط و خال نیامد. مرا به فراق خود مبتلا کرد. نمی‌دانم بدست جاسوسان گرفتار شده و یا دست بخود کشی زده و خود را از بیکاری و فقر نجات داده؟ آه جواب تمام شد. قدرتم از دست رفت...!

آه! جوان عزیزم به جرم آزادیخواهی زیر چرخهای تانک و زره پوش نابود شد. بر چوبه دار رفت. به مسلسل بسته شد. آتش گرفت. نمی‌دانم چه شده همین قدر می‌دانم مرده است و خبر مرگ او را برایم آورده‌اند.

این است گوشه‌ای از نواهای مختلف صحنه‌های اجتماع در زمانهای گذشته و حال. این است نمونه فریادهای جگر خراشی که همراه فریاد حمایت حیوانات در گوشه و کنار ممالک جهان بلند است. این است درد دل ستمدیدگان جهان در مقابل خود سران و حکومت‌های آدم خوار! این است فریاد دل ستمدیدگان جهان، از پشت پرده آهنین تا آمریکای لاتین.

نوایی است که از اعماق دل ملت ستمدیده کوبا بلند شد و در گوشه بیابانهای سوزان عربستان از تارهای قلب آوارگان فلسطین بگوش می‌رسد. نوایی است که از ملت ستمدیده ویتنام بگوش می‌رسد و چند صباح دیگر از سرزمین مصر و اسرائیل، یا چین و هند، یا اندونزی و هلند و ژاپن و کشمیر و... بگوش می‌رسد!

۲ خودسران تاریخ

صحنه‌هایی که در برابر شما ترسیم شد، گوشه‌ای از صحنه‌های سیاه و ننگین تاریخ است و روی بشریت را سیاه و دامن انسانیت را لکه دار کرده است. این صحنه‌ها است که خواب شیرین بنی آدم را به کامش تلخ کرده و کاخهای خونپایه ستمگران را متلاشی ساخته است.

آری! تیمور بود که هزار فرزند شیرخوار را نزدش آوردند و بدینوسیله از او استرحام نمودند، ولی دستور داد بدن آنان را زنده زنده زیر پای اسبان افکنند، و شهر را قتل عام کنند. تیمور بود که در شهر بغداد هشت روز قتل عام کرد و دستور داد صد و بیست هرم از سرهای بریده بنا کنند.

تیمور بود که در شهرهایی که فتح می‌کرد دیواری از سرهای بریده به علامت پیروزی می‌ساخت. تیمور بود که در بغداد صد هزار نفر را کشت^۱ و در اصفهان هفتاد هزار نفر را سر برید و مناره‌ای به یادگار قهر و غضب بنا کرد.^۲

۱. دائرة المعارف، فرید وجدی، ج ۲، ص ۷۳۰.

۲. تاریخ کلیسای قدیم، ... ۳۲۴.

آن شخص مغولی رفت و شمشیری آورده او را کشت.^۱

۴ عکس العمل خودسریها

گرچه به قول منتسکیو اساس حکومت استبدادی با گذشت زمان فاسد می‌شود و به سوی نابودی گام بر می‌دارد^۲ ولی خونریزی و قلدری تا چند صیاحی می‌تواند از متلاشی شدن ارکان حکومت جلوگیری نماید، چنانکه یکی از علل سقوط دولت صفویه به قول منتسکیو عدم خونریزی شاه سلطان حسین است. وی در کتاب خود چنین می‌نویسد:

«صوفی ایران - شاه سلطان حسین - که خود و کشورش تسخیر شد به خاطر این بود که به اندازه کافی خونریزی نکرده بود.»^۳

ولی این نکته را نباید از نظر دور داشت که بی‌رحمیهای استعمارگران انگلیسی در هند ملت ستمدیده را وادار کرد تا مقابل گلوله توپ و مسلسل قیام کنند. خودسریهای بلژیک ملت گرسنه کنگو را بر آن داشت که با بدن برهنه،^۴ با بیل و تبر به جنگ جت‌های آمریکا و بلژیک بروند و قسمتی از کشور خود را نجات بخشند. خودسریهای زمامداران کوبا و ویتنام ملت را بر آن داشت که در مقابل آن همه اسلحه‌های خارجی و سربازان مجهزی که از خارج وارد می‌شدند استقامت کنند و ناوگان هفتم، و ارتشهای مجهز را به زانو در آورند.

۱. تاریخ ایران، ج ۱، ص ۱۰۵.

۲. روح القوانين، ص ۲۴۴.

۳. همان، ص ۱۲۰.

۴. سالنامه دنیا، سال ۱۳۴۳.

خودسری مهاراجه کشمیر تا آنجا رسیده که بر پنجره‌های منازل کشمیر مالیات وضع کرده و مردم را از هر جهت در مضیقه قرار داده است و بدون تردید عکس العمل این خودسریها آشوب چند میلیون مردم گرسنه و بی سلاح در مقابل لشکر مسلح و انبوه هند است.

آری! اینگونه قضایا تکرار مکررات تاریخ است؛ آنگاه که «نرون» در خونخواری و جسارت زیاده روی کرد ملت او یکباره نهضت کردند و او را از سلطنت خلع نمودند و حکم قتل او را صادر کردند. نرون به خاطر فرار از عذاب ملت خودکشی کرد و یا دستور داد او را بکشند و یا آنکه بر سر او ریختند و بدن او را ریز ریز کردند و ریزه‌های آن را پیش سگها ریختند.^۱ هر چه بود او را نابود کردند؛ و به نتیجه خودسریهایش رساندند. خلاصه عکس العمل خودسری، سرنگونی خودسران است؛ و قطره‌های خون بیگناهان به صورت سیلی مهیب دیر یا زود ریشه آنان را بر می‌کند، و دود و لعن و نفرین که آسمان شفاف را نیلگون ساخته و بدرقه سفرهای خوشگذرانی خودسران است بزودی، روز روشن آنان را مانند شب تاریک می‌سازد و نه تنها خود آنان گرفتار می‌گردند، بلکه مملکت آنان به وادی اسارت و استعمار رهسپار می‌گردد. برای نمونه اگر چنگیز بر ایران مسلط گردید به خاطر این بود که «خوارزمشاه» مردان برجسته و شایسته را زندانی و یا نابود کرده بود.^۲

و اگر ششصد میلیون چینی به دامن کمونیستی افتاد به خاطر خودسری

۱. دائرة المعارف، فرید وجدی، ج ۱۰.

۲. الکامل فی التاریخ، ج ۹، ص ۲۳۰.

دربار منچو بود؛ و اگر هند، مصر و اندونزی سالها زیر چکمه‌های استعمار لگدکوب شد باز به خاطر خودسری زمامداران بود و اگر ممالک آفریقا در فقر و فلاکت به سر می‌برند، باز عکس العمل خود سری است.

۵ رزمندگان ملی

«شهوۃ پرستی و جاه و تجمل طلبی، دربارها و حرمسراها را قبله گاه دلباختگان دنیا ساخته است. آنها که واصل به کعبه مقصود شده‌اند برای اعتکاف در حرم و خلوت در بهشت مطلوب می‌بایستی فارغ از زحمت و تلاش، متخصص در زندگی طفیلی برای مکیدن خون و مال سایرین بشوند. لازمه این روش بنده نمودن مردم و انواع بیدادگری و تجاوزها بود. به این ترتیب هزاران سال، فوج فوج مردم بینوادر زیر دستهای فرعونها و مهربان و سپاهیان آنها لگدمال می‌شدند...»^۱

این شهوۃ پرستی و خوشگذرانی از دست رفیع ملت فلک زده در مقابل چشمان توده‌های رنج‌دیده، خواه ناخواه رزمندگانی همچون موسی و ابراهیم می‌پروراند.

آری! محیط خونخواری و دیکتاتوری رزمندگانی همچون گاندی و لومومبا می‌سازد، همچون ولتر و روسو تحویل می‌دهد.

راستی! اگر جنگهای چریکی و پارتیزانی از افرادی از خود گذشته و بینوا به چشم می‌خورد به خاطر دیدن این همه تبعیضها و خودسریها است. به خاطر دیدن مصیبت و اندوه است. به خاطر بخشیدن مالیات به

۱. به نقل از کتاب «خدا در اجتماع» نوشته مهندس مهدی بازرگان.

دولتهایی است که از دست رنج آنان اندوخته تهیه می‌کنند و آن پولها را در خوشگذرانی مصرف می‌نمایند. به خاطر دیدن جسارت و تجاوز به ناموس و مال و بالاخره به عقاید است. به خاطر ندیدن خیر و خوبی است. گرچه خوشگذرانی و خود سری کم و بیش در هر عصری رواج داشته است و خونخواری در هر زمانی به چشم می‌خورد؛ ولی از دولتهایی که خود را دینی می‌دانند و یا می‌گویند مروج دین هستیم، شگفت آور است. آری! تعجب است که دست به عملیات خود سری و دیکتاتوری بزنند!

راستی! حکومتهای بنی امیه و بنی عباس که سرگذشت آنان در اختیار شما قرار می‌گیرد، خونها ریختند و آدمها کشتند، ولی همه را به نام اسلام و مسلمین قلمداد کردند. به عنوان اینکه جانشین و سایه خدا هستیم، هزاران جنایت کردند. آری! خود را به اسلام بستند و هزاران لکه به دامن اسلام نشانند.

اگر جنایات امثال بنی امیه و بنی عباس نبود، کجا می‌توانست متسکیو بگوید: «زمامداران و سلاطین اسلامی با خونسردی مردم را به قتل می‌رسانند و از ملت خود دور هستند. اما در مذهب مسیح سلاطین با خونسردی سبب مرگ مردم نمی‌شوند و چون به واسطه آمیزش با جامعه حجب و حیای آنها زیاده‌تر می‌شود خونخواری آنان کمتر می‌باشد.»^۱

آری! زمامداران مسلمانان خود را مسلمان می‌دانند ولی عمل آنان با اسلام فرسنگها تفاوت دارد، و سبب شده است ملت‌های دیگر، این عمل آنان را به حساب اسلام بگذارند و اسلام را یک دین خونخواری، قلدری و

شمشیری معرفی کنند.

به خاطر رفع همین تهمتها و زدودن این لکه‌های ننگ بوده است که شیعیان از صدر اسلام، علیه بیدادگری و تجاوز خونخواران و جنایتکاران، در گوشه و کنار ممالک اسلامی با همت بزرگ و قدمی استوار، در نبرد بوده و می‌باشند.

به همین مناسبت نویسنده شیعه و لبنانی کتاب خود را به نام «الشیعة والحاكمون» نامیده است و در ضمن مقدمه می‌گوید: مقصود من از حکومتها؛ زمامداران دیکتاتور و خودسر است. مترجم نیز از این نام تبعیت کرد.

دیماه ۴۳ - مصطفی زمانی